

فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی
سال دوم، شماره ۸، زمستان ۱۳۹۳، صفحات ۲۰-۵

آزمون مدل رشد محدود شده به ترازپرداخت‌ها در بخش کشاورزی ایران

وحید عزیزی

کارشناس ارشد اقتصاد کشاورزی (نویسنده مسئول)
vahidazizi8@gmail.com

نادر مهرگان

دانشیار اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا همدان
mehregannader@yahoo.com

غلامرضا یآوری

استادیار اقتصاد کشاورزی دانشگاه پیام‌نور کرج
gh_yavari@albpnu.ac.ir

این مطالعه شواهد تجربی از قانون تیروال یا مدل رشد محدود شده به ترازپرداخت‌ها را برای بخش کشاورزی ایران طی دوره (۱۳۸۰-۱۳۹۰) بررسی می‌کند. تیروال نشان می‌دهد نرخ رشد با ترازپرداخت‌ها مهار خواهد شد، زیرا اقتصاد نمی‌تواند سریعتر از آنچه با تعادل ترازپرداخت‌ها یا حداقل با کسری پایدار در ترازپرداخت‌ها سازگار است رشد کند. به این ترتیب، قانون تیروال بیان می‌کند که نرخ رشد تولید سازگار با ترازپرداخت‌ها با نسبت نرخ رشد صادرات بر کسش درآمدی واردات برابر است، بنابراین در این پژوهش برای محاسبه نرخ رشد تعادل تیروال در بخش کشاورزی ابتدا تابع تقاضای واردات محصولات کشاورزی با استفاده از روش خود توضیح با وقفه‌های گسترده برآورد شد. در ادامه با تقسیم نرخ رشد صادرات محصولات کشاورزی بر کسش درآمدی تقاضای واردات نرخ رشد تیروال برای ۱۷ سری از دوره‌های ۷ سال که با هم تداخل دارند محاسبه شد. نتایج نشان داد که نرخ رشد تیروال در ابتدای دوره‌های مورد بررسی با نرخ واقعی رشد کشاورزی اختلاف قابل توجهی دارد، اما در ادامه با گذشت زمان این اختلاف بسیار کاهش یافته و نرخ رشد تیروال به نرخ واقعی رشد کشاورزی نزدیک شده است. نتایج تحقیق اعتبار قانون تیروال را در دهه ۸۰ تأیید می‌نماید، بنابراین در طول دوره مورد بررسی با گذشت زمان نسبت نرخ رشد ارزش صادرات به کسش درآمدی تقاضای واردات نزدیک شده است.

طبقه‌بندی JEL: N1.

واژه‌های کلیدی: رشد کشاورزی، محدودیت ترازپرداخت‌ها، کسش تقاضای واردات، قانون تیروال، ایران.

۱. مقدمه

گرسنگی و فقر در بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته دلیل و انگیزه‌ای نیرومند برای توسعه اقتصادی به‌شمار می‌رود. بخش کشاورزی به‌دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذای مورد نیاز جامعه یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی محسوب می‌گردد، بنابراین در صورتی که بالا بودن سطح زندگی و رفاه تمام افراد یک کشور هدف توسعه اقتصادی را تشکیل دهد لزوم بهبود و توسعه کشاورزی به‌خوبی احساس می‌شود. تجربه بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد اگر کشاورزی نتواند از رشد کافی برخوردار باشد شانس پیشرفت اقتصادی بسیار کمتر و محدودتر خواهد شد، بنابراین بخش کشاورزی زمانی می‌تواند نقشی در تحول و پیشرفت اقتصادی داشته باشد که از حالت بسته خارج و به‌سمت تجاری شدن پیش رود تا به اقتصادی مبتنی بر بازار تبدیل شود، بنابراین برنامه‌ریزی صحیح در راستای توسعه بخش کشاورزی یکی از ابزارهایی است که در صورت رعایت شرایط لازم و کافی آن کشورها را در راستای توسعه اقتصادی هدایت می‌نماید.

بخش کشاورزی در اقتصاد ایران به لحاظ دارا بودن قابلیت‌ها و ظرفیت‌های قابل توجه از اهمیت خاصی برخوردار بوده و به لحاظ نقشی که در تأمین مواد غذایی مردم و تهیه مواد اولیه برخی صنایع دارد شایان توجه است، همچنین بخش عمده درآمد حاصل از صادرات غیرنفتی از این بخش تأمین می‌گردد و به‌دلیل اشتغال‌زایی بالا، عدم نیاز به فناوری پیشرفته در مراحل مختلف تولید و ارزیابی کمتر نسبت به دیگر بخش‌های اقتصادی دارای مزیت نسبی می‌باشد. از سویی در ایران به‌دلیل تنوع پوشش گیاهی، استعداد گیاهی، استعداد بالقوه تولید انواع فرآورده‌های باغی و زراعی، گل و گیاهان دارویی و نظیر آن بخش کشاورزی و منابع طبیعی می‌تواند منبع عظیمی از درآمدهای ارزی غیرنفتی را برای کشور فراهم نماید (کرباسی و اکبرزاده، ۱۳۸۷).

پیش از پیروزی انقلاب تمرکز اصلی سیاست‌های اقتصادی در طول برنامه‌های توسعه صنعتی شدن بود. پس از انقلاب و تغییر در این سیاست بخش کشاورزی در فرایند توسعه اقتصادی در اولویت قرار گرفت، به گونه‌ای که برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با محوریت بخش کشاورزی طراحی و به مرحله اجرا درآمد (سادات‌باریکانی و ایران‌نژاد، ۱۳۹۲). بخش کشاورزی در اقتصاد ایران چه به‌واسطه موقعیت و نقش‌های مهمی که در اقتصاد از لحاظ تولید و اشتغال برعهده دارد و چه به‌واسطه رابطه آن با سایر بخش‌های اقتصادی از اهمیت بالایی

برخوردار است، بنابراین با توجه به اهمیت بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی، تکیه بر توسعه و گسترش صادرات محصولات آن می‌تواند وابستگی اقتصاد ایران را به صادرات نفت کاهش دهد. بر این اساس، در این پژوهش با توجه به اهمیت موضوع مفهوم رشد متکی بر صادرات در بخش کشاورزی ایران مورد مطالعه قرار گرفته است.

۲. مبانی نظری

در ادبیات رشد اقتصادی توجه خاصی به تجارت خارجی به‌عنوان عامل رشد معطوف شده است، به طوری که همواره ارتباط تجارت و رشد اقتصادی مورد توجه نظریه‌پردازان توسعه بوده و اقتصاددانان کلاسیک تجارت را موتور رشد و توسعه می‌دانستند. این اقتصاددانان به منافع متعدد تجارت خارجی و تأثیر آن بر رشد و توسعه اقتصادی اشاره دارند. آنها آثار تجارت خارجی را به ۲ بخش آثار مستقیم مانند تقسیم کار جهانی، گسترش بازار، افزایش آثار جانبی سرمایه‌گذاری، تخصیص منابع و آثار غیرمستقیم مانند تأمین مواد اولیه و اقلام مورد نیاز، انتقال تکنولوژی و دانش جدید، انتقال سرمایه خارجی و ایجاد رقابت و تشویق آن تقسیم می‌کنند (قره‌باغیان، ۱۳۷۳).

در تجارت خارجی استراتژی توسعه صادرات به‌عنوان استراتژی موفق مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان قرار گرفته است. بحث نقش صادرات در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه مسیر قابل تأملی را پیموده و از جایگزینی واردات به توسعه صادرات و افزایش درجه باز بودن اقتصاد حرکت نموده است (کميجانی و حاجی، ۱۳۹۱)، به طوری که توجه به سیاست خودکفایی اقتصادی توسط حکومت‌ها بسیاری از کشورهای جهان به‌ویژه کشورهای در حال توسعه را بر آن داشت تا در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ رویکرد توسعه اقتصادی متکی بر توسعه تولیدات جایگزین واردات را تعقیب نمایند، اما نیاز به تأمین ارز خارجی برای رفع مشکل ترازپرداخت‌ها، کیفیت پایین کالاهای تولیدی در بسیاری از موارد، تنوع اندک محصولات تولیدی، ناکارایی مزن واحدهای تولیدی به دلیل دور ماندن از رقابت‌های بین‌المللی و عدم بهره‌گیری از ظرفیت کامل واحدهای تولیدی به دلیل محدود بودن بازارهای داخلی این کشورها را مجبور ساخت تا تغییر جهت دهند و سیاست توسعه صادرات را تعقیب نمایند، بنابراین صادرات در برنامه‌های توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه اهمیت قابل ملاحظه‌ای یافت، زیرا دریافتی‌های صادراتی منبع عمده تأمین ارز خارجی برای واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای را فراهم می‌نمایند، از این رو

تأثیر بسیاری بر رشد اقتصادی این کشورها دارند. به‌علاوه، جایگزینی سیاست توسعه صادرات به‌جای سیاست جانشین واردات بر اساس این باور اقتصادی که سیاست توسعه صادرات نسبت به جانشین واردات تأثیر بیشتری بر رشد اقتصادی دارد اهمیت صادرات را در سیاست‌های اقتصادی کشورهای در حال توسعه بیش از پیش آشکار ساخت.

توسعه صادرات می‌تواند به‌صورت مستقیم عاملی برای رشد اقتصاد باشد، به این دلیل که افزایش تقاضای خارجی برای محصولات داخلی منجر به رشد تولید ناخالص و از این طریق موجب افزایش اشتغال و درآمد می‌شود، همچنین رشد صادرات از طریق تخصیص منابع کارا، افزایش ظرفیت تولید، افزایش ارزش خارجی، صرفه‌های اقتصادی و افزایش انگیزه در استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته به‌منظور رقابت در بازار خارجی به‌طور غیرمستقیم رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (هلیمان و کروگمان، ۱۹۸۵).

برای اینکه سیاست توسعه صادرات بتواند نقش مثبت خود را در رشد اقتصاد ایفا نماید می‌بایست دریافته‌های صادراتی از رشد و ثبات مناسبی برخوردار باشند. نوسان‌های گسترده در این دریافته‌ها می‌تواند آثار سوئی بر سرمایه‌گذاری، ترازپرداخت‌ها و رشد و توسعه اقتصادی بر جای گذارد، بنابراین در این خصوص مهم‌ترین نکته تعادل تراز تجاری و توسعه صادرات است که مفهوم رشد متکی بر صادرات را بیش از بیش مورد توجه قرار می‌دهد، از این رو می‌توان به مدل رشد محدود شده به ترازپرداخت‌ها که توسط تیروال (۱۹۷۹) ارائه شده است اشاره نمود. مدل تیروال دیدگاه‌های مختلفی را از روش سنتی اقتصاد تئوری رشد (کلاسیک و نئوکلاسیک) فراهم می‌کند، به طوری که بر اساس نظریه سنتی اقتصاد رشد از طرف عرضه فراهم می‌شود و ترازپرداخت‌ها به تعادل می‌رسد و رشد اقتصادی با عامل نهاده و پیشرفت‌های فنی تعیین خواهد شد، اما تیروال معتقد است این رویکرد نمی‌تواند توضیح دهد که چرا نرخ رشد بین کشورها متفاوت است، بنابراین وی تأکید می‌کند به‌عنوان یک نظریه سنتی متمایز رشد یک کشور از درآمد تقاضا تعیین می‌شود به‌ویژه در دنیای جهانی (یا در یک اقتصاد باز) تقاضا محدود به ترازپرداخت‌هاست، بنابراین درک تفاوت رشد اقتصادی بلندمدت بین کشورها بدون اشاره به ترازپرداخت‌ها غیرممکن است (تیروال و مک‌کوین، ۲۰۰۴). تیروال بیان می‌کند که هیچ کشوری نمی‌تواند سریعتر از نرخ رشد تعادلی محدود شده به ترازپرداخت‌ها رشد کند مگر آنکه تأمین مالی

کسری خارجی را به وسیله سرمایه جبران کنند، بنابراین رشد محدود تقاضای خارجی و عدم تعادل ترازپرداخت‌ها در حساب جاری می‌تواند مانع جدی برای رشد سریع اقتصادی باشد (تیروال، ۲۰۱۱). در این راستا تیروال (۱۹۷۹) در مقاله پیشگام خود در مطالعه تجربی رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته نشان داد نرخ رشد این کشورها نزدیک به نرخ رشد صادرات تقسیم بر کشش درآمدهای تقاضای واردات می‌باشد، بنابراین مدل تیروال مدل ساده تعیین نرخ بلندمدت رشد اقتصادی سازگار با تعادل ترازپرداخت‌ها را نشان می‌دهد. این مدل برای بسیاری از کشورها مورد استفاده قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به مواردی در بخش پیشنهاد تحقیق اشاره نمود.

۳. پیشنهاد تحقیق

جیمز جونیور (۲۰۰۳) مدل تیروال را برای اقتصاد برزیل با استفاده از روش هم‌انباشتگی و تصحیح خطای برداری طی دوره (۱۹۵۵-۱۹۹۸) مورد آزمون قرار داد. نتایج نشان داد هم‌انباشتگی مثبت بین رشد صادرات و رشد اقتصادی وجود دارد و محدودیت‌های خارجی برای رشد اقتصادی بلندمدت اهمیت دارند و نتایج مدل تیروال را تأیید می‌کند.

دروود هانسن و کوداراس (۲۰۰۴) به بررسی مدل رشد اقتصادی محدود شده به ترازپرداخت‌ها در ۳ کشور بالتیک (استونی، لیتوانی و لتونی) پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که نرخ رشد محدود شده به ترازپرداخت‌ها برای اقتصاد استونی و لیتوانی پایین‌تر از نرخ رشد واقعی می‌باشد.

رمزی (۲۰۰۵) در پژوهشی مدل رشد محدود شده به ترازپرداخت‌ها را برای کشور هند با استفاده از روش جوهانسن و مدل تصحیح خطای برداری مورد بررسی قرار داد. بر اساس نتایج وی متوسط نرخ رشد پیش‌بینی شده تیروال به اشکال مختلف نزدیک به متوسط نرخ رشد واقعی طی دوره (۱۹۵۰-۱۹۹۹) می‌باشد، اما در دهه‌های فرد اختلاف قابل توجهی وجود دارد.

گووا و لیما (۲۰۱۰) آزمون مدل تیروال را برای نمونه‌ای از کشورهای آمریکای لاتین و کشورهای آسیایی انجام داده است. نتایج نشان می‌دهد مدل رشد محدود شده به ترازپرداخت‌ها برای تمام کشورهای مورد بررسی بجز کره جنوبی اختلاف معناداری با نرخ رشد واقعی ندارند و نرخ رشد پیش‌بینی شده تیروال با نرخ رشد واقعی برابرند.

بلکر و آبیاریا (۲۰۱۲) در پژوهش خود تحت عنوان "آیا محدودیت ترازپرداخت‌ها پس از آزادسازی تجارتي باعث کاهش سرعت رشد اقتصادی مکزیک می‌شود؟" مدل جداگانه‌ای از

محدودیت ترازپرداخت‌ها با دو نوع صادرات (تولید و مواد اولیه) و دو نوع از واردات (کالاهای واسطه و نهایی) را مورد بررسی قرار می‌دهند. نتایج این تحقیق نشان داد که نرخ رشد تیروال کاهش نیافته است، اما در مقابل پس از آزادسازی کمی افزایش یافته است.

هالیسیو گلو (۲۰۱۲) قانون تیروال را طی دوره (۱۹۸۰-۲۰۰۸) برای اقتصاد ترکیه با استفاده از روش الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL)^۱ آزمون نموده است. برای این منظور، نرخ رشد محدود شده به ترازپرداخت‌ها را برای یک سری از دوره‌های ۱۰ سال که با هم تداخل دارند محاسبه نمود. نتایج نشان داد اعتبار قانون تیروال برای بسیاری از دوره‌های پیش‌بینی شده تأیید می‌شود.

محمود میرزا و مظهر (۲۰۱۲) مدل رشد محدود شده به ترازپرداخت‌ها را برای کشور پاکستان طی دوره (۱۹۷۳-۲۰۰۵) با استفاده از روش جوهانسون مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد نرخ رشد تیروال اختلاف قابل ملاحظه با نرخ رشد واقعی ندارد و انحراف از نرخ رشد اقتصادی از نرخ رشد پیش‌بینی شده بسیار کوچک است. نتایج نشان می‌دهد قانون تیروال برای اقتصاد پاکستان صادق می‌باشد و نرخ رشد اقتصادی پاکستان محدود به ترازپرداخت‌هاست.

آریسیو گلو و همکاران (۲۰۱۳) اعتبار قانون تیروال را طی دوره (۱۹۸۷-۲۰۱۱) برای ترکیه مورد آزمون قرار دادند. نتایج تحقیق با استفاده از روش الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده و روش فیلتر کالمن مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج اعتبار قانون تیروال نه به صورت ضعیف و نه به صورت قوی برای دوره مورد مطالعه معتبر نبود.

همانطور که در ادبیات تحقیق بیان شد به دلیل اهمیت موضوع تحقیقات گوناگونی در بخش‌های مختلف اقتصاد انجام شده است، اما تحقیقاتی در رابطه با بخش کشاورزی ایران انجام نشده است و به منظور اهمیت رشد کشاورزی در اقتصاد کشور و وجود کسری تجاری در حساب جاری بخش کشاورزی این پژوهش با هدف آزمون مدل تیروال برای بخش کشاورزی ایران انجام شده است.

۴. مواد و روش‌ها

مدل رشد محدود شده به ترازپرداخت‌ها که به مدل تیروال معروف است در سال ۱۹۷۹ توسط تیروال ارائه شد. این مدل نشان می‌دهد نرخ رشد با ترازپرداخت‌ها مهار خواهد شد، زیرا اقتصاد نمی‌تواند سریعتر از آنچه با تعادل ترازپرداخت‌ها یا حداقل با کسری پایدار در ترازپرداخت‌ها سازگار است رشد کند، به این ترتیب ضریب درآمدی هارد یا قانون تیروال بیان می‌کند که نرخ رشد تولید سازگار با ترازپرداخت‌ها برابر است با نسبت نرخ رشد صادرات بر کشش درآمدی واردات یا به عبارت دیگر نرخ رشد یک کشور به نسبت نرخ رشد ارزش صادرات به کشش درآمدی تقاضای واردات در بلندمدت نزدیک خواهد شد، بنابراین مدل تیروال (۱۹۷۹) از طریق ۳ معادله زیر بیان می‌شود:

$$X_t = \varphi(P_{dt} - P_{ft}) + \rho Z_t \quad (۱)$$

$$M_t = \mu(P_{dt} - P_{ft}) + \pi Y_t \quad (۲)$$

$$X_t + P_{dt} = M_t + P_{ft} \quad (۳)$$

در روابط فوق، X : نرخ رشد صادرات، M : نرخ رشد واردات، Z : نرخ افزایش در درآمد جهانی، Y : نرخ افزایش در تولید ناخالص داخلی کشور مربوطه است. ρ و π به ترتیب کشش‌های صادرات و واردات نسبت به درآمد هستند. φ و α به ترتیب کشش‌های صادرات و واردات نسبت به تقاضا هستند. از آنجایی که P_d و P_f قیمت‌های داخلی و خارجی می‌باشند $(P_d - P_f)$ قیمت‌های نسبی را نشان می‌دهند. روابطه (۱) و (۲) معادلات صادرات و واردات هستند و رابطه (۳) تراز حساب جاری است. اگر رابطه (۳) برای GDP حل شود معادله فوق را می‌توان به صورت زیر نوشته شود:

$$Y_t = \left[(1 + \varphi - \alpha) / \pi \right] (P_{dt} - P_{ft}) + \left(\frac{\rho}{\pi} \right) Z_t \quad (۴)$$

با مرتب نمودن رابطه (۱) برای Z و جابجا نمودن آن در رابطه (۴) می‌دهد:

$$Y_t = \left[\left(\frac{1}{\pi} \right) (1 - \alpha) \right] (P_{dt} - P_{ft}) + \left(\frac{1}{\pi} \right) X_t \quad (۵)$$

زمانی که قیمت‌های نسبی با واحدهای پولی یکسان اندازه‌گیری شود مقدار آنها با توجه به شرط مارشال لرنر برابر بوده و تفاوت آنها برابر صفر خواهد بود، از این رو معادله (۵) را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$Y_t = \left(\frac{1}{\pi}\right) X_t \quad (6)$$

معادله (۶) رابطه ضریب فزاینده تجارت خارجی هارد را نشان می‌دهد که $\left(\frac{1}{\pi}\right)$ ضریب فزاینده تجارت خارجی است (تیروال، ۱۹۷۹).

برای آزمون قانون تیروال در بخش کشاورزی ایران ابتدا می‌بایست تابع تقاضای واردات محصولات کشاورزی مشخص شود، به طوری که رشد واردات تابعی از رشد درآمد داخلی باشد. برای این منظور، در این پژوهش از خصوصیات تابع تقاضای واردات هیکس (۱۹۹۷) به صورت رابطه (۷) استفاده شده است:

$$\text{Ln}M = \alpha + \gamma \ln(\text{TOT}) + \pi Y \quad (7)$$

در رابطه (۷)، TOT شرایط واقعی تجارت یا رابطه مبادله تجاری می‌باشد که به صورت نسبت شاخص قیمت صادراتی به شاخص قیمت وارداتی کالاها تعریف می‌شود. سایر متغیرها نیز مانند قبل تعریف می‌شوند. پس از تخمین تابع تقاضای واردات و برآورد کشتش درآمدی واردات در مرحله بعد با استفاده از رابطه (۶) نرخ رشد پیش‌بینی شده تیروال محاسبه و با نرخ واقعی رشد بخش کشاورزی مقایسه خواهد شده است.

در این پژوهش از داده‌های ارزش واردات بخش کشاورزی، ارزش صادرات بخش کشاورزی و ارزش افزوده بخش کشاورزی به میلیارد ریال و شاخص قیمت کالاهای صادراتی و شاخص قیمت کالاهای وارداتی به صورت فرم لگاریتمی و به قیمت پایه سال ۱۳۷۶ طی دوره زمانی (۱۳۶۸-۱۳۹۰) استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز این پژوهش به روش مطالعه اسنادی از سالنامه‌های بازرگانی خارجی گمرک، بانک مرکزی ایران و مرکز آمار ایران گردآوری شده است. برای تجزیه و تحلیل نتایج از نرم‌افزارهای ماکروفت و ایویوز استفاده شده است.

۵. نتایج

برای تعیین وجود ریشه واحد و درجه همجمعی بین متغیرهای الگوی واردات بخش کشاورزی و شناخت روابط پویای آنها از آزمون ریشه واحد دیکی-فولر تعمیم یافته استفاده شد. بر اساس نتایج جدول (۱) ارزش افزوده بخش کشاورزی در سطح پایا و متغیرهای ارزش واردات محصولات کشاورزی و رابطه مبادله تجاری با یک بار تفاضل گیری پایا هستند. با توجه به اینکه در رابطه (۷) ترکیبی از متغیرهای $I(0)$ و $I(1)$ وجود دارد به کارگیری روش حداقل مربعات معمولی می‌تواند نتایج گمراه کننده‌ای به همراه داشته باشد، بنابراین برآوردگر حداقل مربعات ناسازگار خواهد بود و ممکن است نتیجه به یک رگرسیون جعلی بیانجامد. در چنین شرایطی می‌توان به بررسی همجمعی متوسل شد و مدل را بر اساس سطح متغیرها برآورد نمود. به این منظور، برای تحلیل روابط بلندمدت و کوتاه مدت بین متغیرها می‌توان از رهیافت ارائه شده توسط پسران و پسران (۱۹۹۷) موسوم به رویکرد مدل خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) استفاده نمود. مزیت به کارگیری این روش بر سایر روش‌ها این است که صرف نظر از ماهیت ایستایی متغیرهای موجود در مدل از نوع $I(0)$ و $I(1)$ می‌توان رابطه همگرایی بین متغیرها را بررسی و به دست آورد، همچنین در خصوص نمونه‌های کوچک این روش دارای قدرت توضیح دهنده بالایی نسبت به سایر روش‌هاست، بنابراین برآورد روش الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) به دلیل پرهیز از مشکلاتی همچون خودهمبستگی و درون‌زایی ناریب و کارا هستند و این روش روابط بلندمدت و کوتاه مدت بین متغیر وابسته و سایر متغیرهای توضیحی را به صورت همزمان تخمین می‌زند (نوفرستی، ۱۳۹۱).

جدول ۱. نتایج آزمون پایایی متغیرهای تابع تقاضای واردات محصولات کشاورزی

متغیرها	آماره ADF	مقادیر بحرانی در سطوح	درجه
		۱ درصد	۵ درصد
لگاریتم ارزش واردات بخش کشاورزی	LM	-۳/۷۸	-۳/۰۱
لگاریتم ارزش افزوده بخش کشاورزی	LY	-۳/۷۶	-۳/۶۳
لگاریتم رابطه مبادله تجاری	LTOT	-۴/۱۰	-۱/۹۵

مأخذ: نتایج تحقیق.

نمودار ۱. آزمون مجموع تجمعی (CUSUM)

نتایج آزمون‌های تشخیصی ارائه شده در جدول (۳) برقراری تمام فروض کلاسیک را تأیید می‌کند، به طوری که مشکلات ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی را نداشته و فرم تصریحی درست و جملات خطا به طور نرمال توزیع شده است، همچنین نتایج آزمون مجموع تجمعی و مجموع مجذور تجمعی نشان از پایداری ضرایب برآوردی دارد و به دلیل قرار گرفتن آماره آزمون‌های فوق در فاصله اطمینان ۹۵ درصد شکست ساختاری در مدل وجود ندارد (نمودارهای ۱ و ۲).

جدول ۳. نتایج آزمون‌های تشخیصی تابع واردات محصولات کشاورزی

فروض کلاسیک	آزمون LM	آزمون F
آزمون همبستگی سریالی جمله پسماند	۲/۷۲ [۰/۰۹۹]	۲/۲۳ [۰/۱۵۵]
آزمون رمزی برای تصریح غلط شکل تبعی	۰/۰۱ [۰/۹۱۸]	۰/۰۰۷ [۰/۹۳۲]
آزمون توزیع نرمال جملات پسماند	۱/۷۸ [۰/۴۱۰]	
آزمون واریانس ناهمسانی	۰/۲۷ [۰/۶۰۶]	۰/۲۹۹ [۰/۵۸۴]

مأخذ: نتایج تحقیق.

از تخمین الگوی واردات بخش کشاورزی در بلندمدت کشش تقاضای واردات نسبت به درآمد معادل ۰/۹۱۶۵ برآورد شد، بنابراین نرخ رشد تعادل تیروال برای بخش کشاورزی ایران از نسبت صادرات به کشش درآمدی تقاضا واردات محاسبه شد و با نرخ رشد واقعی بخش کشاورزی مقایسه شد، بنابراین برای آزمون قانون تیروال ۱۷ دوره ۷ ساله که با یکدیگر تداخل دارند در نظر گرفته شد. بر اساس نتایج مشاهده می‌شود که نرخ رشد پیش‌بینی شده توسط تیروال از دوره (۱۳۷۴-۱۳۶۶) تا دوره (۱۳۸۱-۱۳۷۵) کمتر از نرخ واقعی رشد کشاورزی می‌باشد و دارای اختلاف ۱۰ تا ۲۰ درصدی با آن است، بنابراین تا حدودی قانون تیروال برای این دوره‌ها قابل اتکا نیست، اما از دوره (۱۳۸۲-۱۳۷۶) تا دوره (۱۳۹۰-۱۳۸۴) مشاهده می‌شود که نرخ پیش‌بینی شده رشد تیروال به نرخ واقعی رشد کشاورزی نزدیک می‌شود و انحراف دوره‌های قبل را کاهش داده است، به طوری که از دوره (۱۳۸۵-۱۳۷۹) به بعد نرخ رشد تیروال از نرخ واقعی رشد کشاورزی بیشتر شده است. این اطلاعات نشان می‌دهد رشد بخش کشاورزی در دوره‌های مورد مطالعه به ترازپرداخت‌ها در حساب جاری بخش کشاورزی وابستگی یافته است، به طوری که می‌توان بیان نمود قانون تیروال تأیید می‌شود و رشد بخش کشاورزی محدود به ترازپرداخت‌ها شده است، بنابراین در دهه ۱۳۸۰ با افزایش درجه باز شد بودن اقتصاد تجارت خارجی بخش کشاورزی نیز رشد یافته است، اما این رشد تجارت باعث افزایش بیش از حد

واردات نسبت به صادرات بخش کشاورزی شده که خود باعث افزایش کسری تجاری شده است. نتایج این بخش در جدول (۴) نمایش داده شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون قانون تیروال برای بخش کشاورزی ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۰)

دوره‌ها	نرخ رشد کشاورزی (۱)	نرخ رشد مدل تیروال (۲)	تفاضل (۲) - (۱)
(۱۳۶۸-۱۳۷۴)	۰/۳۴	۰/۱۳۲	۰/۲۰۷
(۱۳۶۹-۱۳۷۵)	۰/۳۲	۰/۱۱۷	۰/۲۰۴
(۱۳۷۰-۱۳۷۶)	۰/۳۱۹	۰/۰۶۲	۰/۲۵۷
(۱۳۷۱-۱۳۷۷)	۰/۳۱۳	۰/۰۴۷	۰/۲۶۵
(۱۳۷۲-۱۳۷۸)	۰/۲۸۶	۰/۰۱۴	۰/۲۷۲
(۱۳۷۳-۱۳۷۹)	۰/۲۷۷	-۰/۰۱۷	۰/۲۹۳
(۱۳۷۴-۱۳۸۰)	۰/۲۴	۰/۰۲۲	۰/۲۱۸
(۱۳۷۵-۱۳۸۱)	۰/۱۸۵	۰/۰۷۴	۰/۱۱۱
(۱۳۷۶-۱۳۸۲)	۰/۱۹۲	۰/۱۰۲	۰/۰۸۹
(۱۳۷۷-۱۳۸۳)	۰/۲۰۵	۰/۱۴۹	۰/۰۵۶
(۱۳۷۸-۱۳۸۴)	۰/۱۸۴	۰/۱۰۷	۰/۰۸
(۱۳۷۹-۱۳۸۵)	۰/۱۸۱	۰/۲۱۶	-۰/۰۳۵
(۱۳۸۰-۱۳۸۶)	۰/۱۹۳	۰/۲۳۳	-۰/۰۴
(۱۳۸۱-۱۳۸۷)	۰/۲	۰/۲۰۴	-۰/۰۰۳
(۱۳۸۲-۱۳۸۸)	۰/۱۸۷	۰/۲۲۳	-۰/۰۳۶
(۱۳۸۳-۱۳۸۹)	۰/۱۹	۰/۲۲۵	-۰/۰۳۵
(۱۳۸۴-۱۳۹۰)	۰/۱۸۹	۰/۲۴۵	-۰/۰۵۵

مأخذ: نتایج تحقیق.

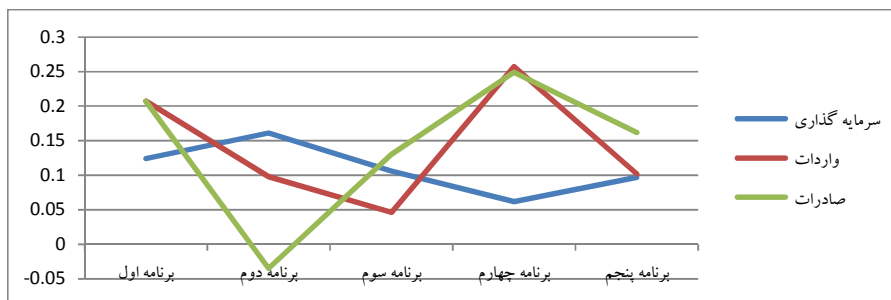
آزمون قانون تیروال برای برنامه‌های توسعه اقتصادی ایران در جدول (۵) نمایش داده شده است. بر اساس نتایج در برنامه دوم توسعه نرخ رشد پیش‌بینی شده تیروال با نرخ رشد واقعی بخش کشاورزی اختلاف قابل تأملی دارد، اما در برنامه‌های اول و چهارم توسعه و دوره بدون برنامه (۱۳۸۹-۱۳۹۰) نرخ رشد پیش‌بینی شده تیروال به نرخ واقعی رشد بخش کشاورزی نزدیک می‌باشد و انحراف ناچیزی دارد، بنابراین رشد بخش کشاورزی در برنامه‌های اول، دوم و چهارم توسعه و دوره بدون برنامه (۱۳۸۹-۱۳۹۰) به ترازپرداخت‌ها محدود شده و قانون تیروال را تأیید می‌کند. اطلاعات این بخش نتایج جدول (۴) را نیز تا حدودی تأیید می‌کند.

جدول ۵. آزمون قانون تیروال برای برنامه‌های توسعه اقتصادی ایران در بخش کشاورزی

برنامه توسعه	نرخ رشد کشاورزی (۱)	نرخ رشد مدل تیروال (۲)	تفاضل (۲) - (۱)
برنامه اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲)	۰/۲۷۱	۰/۲۲۷	۰/۰۴۴
برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸)	۰/۲۷۸	-۰/۰۳۸	۰/۳۱۶
برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳)	۰/۱۹۳	۰/۱۴۲	۰/۰۵۱
برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸)	۰/۱۸۷	۰/۲۷۱	-۰/۰۸۵
بدون برنامه (۱۳۸۹-۱۳۹۰)	۰/۱۹۵	۰/۱۷۷	۰/۰۱۸

مأخذ: نتایج تحقیق.

بر اساس نتایج رشد بخش کشاورزی ایران طی ۲۳ سال گذشته به‌ویژه در دهه ۸۰ به‌سمتی حرکت نموده است که ترازپرداخت‌ها به محدودیت در رشد اقتصادی تبدیل شده است، بنابراین می‌توان کاهش نرخ رشد سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، افزایش واردات بی‌رویه و کاهش تولیدات بخش را از جمله عواملی نام برد که در این رابطه سهیم بوده‌اند (نمودار ۳).



نمودار ۳. متوسط نرخ رشد سرمایه‌گذاری، واردات و صادرات بخش کشاورزی طی برنامه‌های توسعه

۶. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

در این پژوهش مدل تیروال برای اقتصاد کشاورزی ایران طی دوره (۱۳۶۸-۱۳۹۰) مورد آزمایش قرار گرفت. ابتدا تابع تقاضای واردات با استفاده از مدل ARDL برآورد شد و رابطه بلندمدت آن با استفاده از آماره F پسران و پسران (۱۹۹۷) تأیید شد. در ادامه با استفاده از مدل تیروال نرخ رشد محدود شده به ترازپرداخت‌ها برای کشاورزی ایران طی دو مسیر متفاوت یکی به‌صورت ۱۷ دوره ۷ ساله متداخل و دیگری برای برنامه‌های توسعه اقتصادی محاسبه شد. برای این منظور، نرخ پیش‌بینی شده رشد تیروال با نرخ رشد بخش کشاورزی مقایسه شد. نتایج نشان داد که قانون تیروال یا نرخ تعادل رشد محدود شده به ترازپرداخت‌ها طی دوره‌های مورد بررسی در نوسان و در حال تغییر می‌باشد، بنابراین در

دوره‌های مورد مطالعه اعتبار تجربی این مدل متفاوت است، به طوری که ابتدای دوره‌های مورد بررسی قانون تیروال اعتباری برای بخش کشاورزی نداشته است، اما در ادامه طول دوره‌های مورد بررسی وضعیت تغییر نموده و نرخ واقعی رشد بخش کشاورزی به نرخ رشد محدود شده به ترازپرداخت‌ها نزدیک شده است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مدل تیروال در بخش اقتصاد کشاورزی ایران در دهه ۸۰ معتبر می‌باشد و ترازپرداخت‌ها به‌عنوان یک محدودیت در رشد بخش کشاورزی عمل نموده است.

بر اساس نتایج تحقیق می‌توان توصیه نمود یکی از راه‌حل‌های اساسی برای افزایش نرخ رشد واقعی بخش کشاورزی سازگار با مدل تعادل تیروال در بلندمدت تغییرات ساختاری در حساب جاری بخش کشاورزی می‌باشد، به طوری که باعث افزایش درآمد تقاضای صادرات و کاهش کسش درآمدی تقاضای واردات شود، بنابراین لزوم بازنگری در برنامه‌های بخش کشاورزی و توجه بیشتر به افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش برای بالا بردن توان تولیدی آن احساس می‌شود. بهبود استراتژی سیاست‌های سازمانی و بهبود تکنولوژی فنی تولیدات کشاورزی می‌تواند در بلندمدت در افزایش رشد بخش کشاورزی کمک فراوانی نماید، همچنین برای کاهش کسری تراز تجاری بخش کشاورزی سیاست توسعه صادرات همراه با ترکیب یک استراتژی جایگزینی واردات برای کشاورزی ایران توصیه می‌شود.

منابع

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، "گزارش اقتصادی و ترازنامه‌ها"، سال‌های مختلف.
- تشکینی، احمد (۱۳۸۴)، *اقتصادسنجی کاربردی به کمک Microfit*، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری دیپاگران.
- سادات‌باریکانی، سیدحامد و بهاره ایران‌نژاد (۱۳۹۲)، "بررسی جایگاه بخش کشاورزی در اقتصاد ایران: نگاهی دوباره به نظریه محوری بخش کشاورزی"، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۸۱، صص ۱۷۷-۱۵۳.
- قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۸۶)، *اقتصاد رشد و توسعه*، تهران: نشر نی، چاپ ۸.
- کرباسی، علیرضا و جواد اکبرزاده (۱۳۸۷)، "برآورد تابع عرضه و تقاضا صادرات زعفران ایران با سیستم معادلات همزمان"، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۶۲، صص ۳۳-۵۳.
- کیمیجانی، اکبر و غلامعلی حاجی (۱۳۹۱)، "نقش صادرات در بهره‌وری و رشد اقتصادی: شواهد تجربی از ایران"، *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، جلد ۲، شماره ۷، صص ۲۰-۹.

- گمرک جمهوری اسلامی ایران، سالنامه آمار بازرگانی خارجی ج.۱. ایران، سال‌های مختلف.
- مرکز آمار ایران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، سالنامه آماری کشور، سال‌های مختلف.
- نوفرستی، محمد (۱۳۹۱)، ریشه واحد هم‌جمع‌ی در اقتصادسنجی، تهران: انتشارات خدمات فرهنگی رسا، چاپ ۴.
- Aricioglu, Ebru, Ucan, Okyay & T. Bahadir Sarac (2013), "Thirlwall's Law: The Case of Turkey (1987–2011)", *International Journal of Economics and Finance*, Vol. 5, No. 9, PP. 59–68
- Blecker, Robert A. & Carlos A. Ibarra (2012), "Does the Balance of Payments Constraint Explain the Slowdown in Mexican Economic Growth After Trade Liberalization?", Working Papers/American University.
- Drud Hansen, Jorgen & Virmantas Kvedaras (2004), "Balance of Payments Constrained Economic Growth in the Baltics", *Ekonomika*, PP. 82-91.
- Gouvea, Raphael Rocha & Gilberto Tadeu Lima (2010), "Structural Change, Balance-of-Payments Constraint and Economic Growth: Evidence from the Multispectral Thirlwall's Law", *Journal of Post Keynesian Economics*, Vol. 33, No. 1, PP. 169-204.
- Halicioglu, Ferda (2012), "Balance-of-Payments Constrained Growth: The Case of Turkey", Paper Provided by University Library of Munich, Germany in Its Series MPRA Paper, 41791.
- Helpman, Elhanan & Paul Krugman (1985), "Market Structure and Foreign Trade", MIT Press, MA.
- Hieke, Hubert (1997), "Balance of Payments Constrained Growth: A Reconsideration of the Evidence for the U.S Economy", *Journal of Post Keynesian Economics*, Vol. 19, No. 3, PP. 313-325
- Jayme, Junior & Frederico Gonzaga (2003), "Balance-of-Payments-Constrained Economic Growth in Brazil", *Brazilian Journal of Political Economy*, Vol. 23, No. 89, PP. 62-84.
- McCombie, John & Athony P. Thirlwall (2004), "Essays on Balance of Payments Constrained Growth Theory Evidence", London: Rout ledge.
- Mehmood Mirza, Faisal & Ummad Mazhar (2012), "Is Pakistan's Economic Growth Balance of Payments Constrained?", *J. Asian Dev. Stud*, Vol. 1, No.4, PP. 44-54
- Pesaran, Mohammad Hashem & Bahram Pesaran (1997), "Working with Microfit 4.0: An Introduction to Econometrics", Oxford University Press.
- Razmi, Arslan (2005), "Balance-of-Payments-Constrained Growth Model: The Case of India", *Journal of Post Keynesian Economics*, Vol. 27, No. 4, PP. 655-687
- Thirlwall, Aathony P. (1979), "The Balance of Payments Constraint as an Explanation of International Growth Rate Differences", *Banca Nazionale Del Lavoro Quarterly Review*, Vol. 128, PP. 44–53.
- Thirlwall, Aathony P. (2011), "Balance of Payments Constrained Growth Models: History and Overview", University of Kent School of Economics Discussion Papers, KDPE 1111, May.

